

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸، ویژه تاریخ اسلام

زمینه‌های تاریخی اجتماعی پیدایش و

شیوه مدیریت حکومت سید شفتی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۹/۱۲

احمد رضا کیخا*

چکیده

در طول تاریخ، برخی حکومت‌های محلی با عناوین گوناگون در کنار حکومت‌های مرکزی ظهور می‌کردند و تا مدت‌ها، حکومت می‌کردند. حکومت‌های فقهی علمای شیعه از این نوع حکومت‌های محلی است. در این تحقیق به حکومت فقهی سید محمدباقر شفتی در اصفهان پرداخته شده و زمینه‌های شکل‌گیری و شیوه مدیریت او با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس متون کتابخانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجاکه عمده تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران معاصر توسط روشنفکران و با مبانی و روش‌های روشنفکری نگارش شده است، نقش تأثیرگذار بسیاری از عالمان دینی به‌ویژه فقها در آن دیده نشده است. این تحقیق ضمن پررنگ کردن نقش فقیهان شیعه در اداره جامعه ایران به‌ویژه در دو مقطع زمانی که دولت مرکزی عمدتاً به دلایل دخالت‌های استعمارگران در وضعیت بحرانی به سر می‌برد، در صدد است تا الگوهای مدیریت فقهی مناسب دوره قاجاریه را مورد ارزیابی قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت علما، بزرگان، تجار و بازاریان در حکومت سید شفتی نقش ویژه‌ای ایفا کرده است، همچنین در شیوه مدیریت فقهی خود، به دنبال پیاده‌سازی دین و فقه شیعه در بستر جامعه و مبارزه با استبداد و ظلم و حمایت از محرومان منطقه خود بوده است.

واژه‌های کلیدی: سید شفتی، قدرت‌های محلی، مدیریت فقهی، استبداد.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

از صدر اسلام تاکنون حکومت‌های متفاوتی از شیعه و اهل سنت، شکل گرفته است، هر حکومتی بر اساس ایدئولوژی منحصر به فرد خود، سالیان متمادی در سرزمین‌های اسلامی حکومت داشته‌اند؛ در اکثریت حکومت‌ها، غیر عالمان در رأس حاکمیت بوده‌اند و عالمان مسلمان یا به‌عنوان مقام قاضی‌القضات در ساختار حاکمیت تعریف شده بودند یا به‌عنوان مشاوران خلفا و حاکمان به کار گرفته شده بودند یا این که کمترین رابطه‌ای با حکومت‌ها نداشته‌اند. اندک حکومتی در تاریخ اسلام وجود دارد که فقیه در رأس ساختار حکومت بوده است. دوره قاجاریه نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده است؛ بدین معنا که حاکمیت سیاسی ایران در سراسر این دوره در اختیار حاکمان غیر فقیه (که عمدتاً دارای دین‌داری فقهی حداقلی و فردی بوده‌اند) بوده است.

گاهی در بخشی از سرزمین ایران، تجربه حکومت محلی فقیه‌ی بوده است که حکومت سید محمدباقر شفتی در ایالت اصفهان در دوره حاکمیت محمدشاه قاجار از آن نمونه‌ها است. در این مقطع تاریخی سید شفتی دارای مختصات از قبیل حاکمیت ضعیف‌ترین پادشاه قاجاریه، قدرت یافتن صوفیه و راه‌یابی آن‌ها به نقطه کانونی قدرت سیاسی و دربار، روحیه افسرده و شکسته شده عنصر ایرانی به تبع شکست از روس و تحمیل قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای، فراهم شدن شرایط دخالت حداکثری انگلستان در شرق ایران که در نهایت منجر به جدا شدن هرات از ایران شد، دخالت حداکثری سفارت‌ها و کنسولگری‌های استعمارگران به‌ویژه روس و انگلیس در امور داخلی ایران به‌ضمیمه همکاری آن‌ها با لایه‌هایی از جریان حاکمیت حاکمان محلی و... می‌باشد.

نگارنده درصدد است تا زمینه‌های تاریخی - اجتماعی پیدایش و شیوه مدیریت حکومت مستقل سید شفتی را مورد پژوهش قرار دهد. هدف از چنین پژوهشی این است که اولاً: با پژوهش زمینه‌های این حکومت، خوانش تاریخی از نحوه مواجهه مردم نسبت به فقیهان شیعه در مورد حاکمیت را نشان دهد که نتیجه آن، اثبات امکان اجتماعی تأسیس حکومت محلی جدید با محوریت فقیه در مناطق شیعی خواهد بود. ثانیاً: با بررسی این حکومت، امکان ارائه‌ی الگوی مدیریت فقیه در مناطق محلی به وجود می‌آید که می‌توان آن را در مناطق مختلف جهان اسلام در عصر کنونی، مورد اجرا و بازخورد قرار داد. در مورد سید شفتی آثاری نوشته شده است ولی مزیت نسبی این مقاله این است که نگارنده زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری و پیدایش چنین حکومتی از سوی مردم و الگوی مدیریت فقیه در مناطق محلی را به بحث خواهد گذاشت.

مفاهیم مهم تحقیق

سید شفتی

سید محمدباقر موسوی شفتی در سال ۱۱۸۰ هجری در خانواده‌ای تهیدست و در روستای چزره، از نواحی طارم علیا و از توابع رشت، به دنیا آمد. پدر روحانی او - سید محمد نقی - در ۱۱۸۱ هجری قمری، به همراه خانواده و بنا به درخواست مردم شفت (منطقه‌ای در جنوب غربی رشت - گیلان) راهی شفت شد تا پاسخگوی مسائل دینی مردم منطقه باشد. نسبت او به بیست‌ویک واسطه به امامزاده حمزه بن امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد.^۱

سید شفتی تا سال ۱۱۹۲ یعنی تقریباً مدت نه سال در شفت، توقف داشته و بنا به گفته مؤلف روضات الجنات تا حدود سال ۱۱۹۷ در شفت روزگار خود را گذرانید. در این مدت، مقدمات علوم عربی و ادبیات عرب و صرف و نحو و دیگر علوم مقدماتی را نزد فضلی این سامان که نامشان غیر معین و نامعلوم است به‌خوبی فراگرفت.^۲

سید شفتی پس از تحصیل مقدمات تا حدود بیست‌سالگی در زادگاه خود، برای تکمیل معلومات عازم عتبات شد و در نجف در درس علمای بزرگی مانند سیدمحمد مهدی بحر العلوم طباطبائی بروجردی (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲) و میرسید علی طباطبائی (۱۱۴۰ - ۱۲۳۱) صاحب ریاض المسائل و شیخ جعفر نجفی (متوفی سال ۱۲۲۷) معروف به کاشف الغطاء و ملامحمد مهدی نراقی (متوفی سال ۱۲۰۹) به تلمذ پرداخت. سپس محضر آقا محمدباقر بهبهانی معروف را دریافت و پس از آنکه از اکثر بزرگان عراق اجازه اجتهاد گرفت، در

۱. سعید نفیسی، احوال بزرگان، مجله یادگار، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۴، ص ۳۰؛ سید مصلح الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سیدمحمدباقر شفتی بیدآبادی، اصفهان، کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۲۵.

۲. سید مصلح الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، همان، ج ۱، ص ۲۵.

مراجعت به ایران در قم به خدمت میرزا ابوالقاسم قمی (۱۱۳۰ - ۱۲۳۱) صاحب کتاب معروف قوانین رسید و مدتی نیز مجلس درس او را درک کرد و میرزای قمی اجازه اجتهاد مفصلی برای او نوشت. سید در سال ۱۲۱۷ هجری از قم به اصفهان آمد و در این شهر رحل اقامت انداخت و آنجا را مسکن دائمی خود قرار داد و تازنده بود در آنجا می‌زیست و به عبادت و تألیف کتاب و اجرای حدود و ترویج احکام اشتغال داشت.^۱

مدیریت فقهی

مدیریت: در لغت هنر انجام دادن کار به‌وسیله و از طریق دیگران است.^۲ در اصطلاح به معنای نظام اداری که شامل مبانی، اهداف و اصول و روش‌ها است.

فقه: در لغت به معنای فهم^۳ و در قرآن نیز به این معنا استعمال شده است.^۴ معنای دریافتن و دانستن را می‌رساند و از همین رو به معنای فهم عمیق و دانش دقیق یا آگاهی است ولی در اصطلاح، معادل دانش اسلامی یا دانش دین است که عهده‌دار بررسی شریعت است. شریعت عبارت است از آنچه قرآن آورده است. بنابراین امروزه فقه همان دانش اجتهاد در احکام دین است، به عبارت دیگر فقه مجموعه قوانین و تشریحات شارع حکیم برای اداره حیات فردی و اجتماعی است.

مدیریت فقهی در اصطلاح، سامان دادن مجموعه حرکت‌های جامعه بر اساس معیارها و ضوابط فقه و همچنین استنباط نظرات فقهی در موضوعات و مسائل مدیریت است تا

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، چاپ سوم، تهران، زوار، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۳۰۴، سعید نفیسی، احوال بزرگان، مجله یادگار، پیشین، ص ۳۱.

۲. محمدرضا سرمدی، مدیریت اسلامی، چاپ هفتم، تهران، ناشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶.

۳. فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع‌البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۴۲۱.

۴. الاسراء (۱۷)، آیه ۴۴: «تَسْبِيحٌ لَّهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند، همه تسبیح او می‌گویند؛ و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است.

در نهایت به حاکمیت فقه در مدیریت جامعه بینجامد. پس مدیریت جامعه در جهت آرمان‌های اسلامی و مجموعه فعالیت‌ها در جامعه اسلامی می‌بایست با مجموعه ارزش‌ها و مفاهیم و احکام اسلامی سازگار باشد.^۱

زمینه‌های تاریخی اجتماعی پیدایش حکومت سید شفتی

برای شکل‌گیری حکومت فقهی سید شفتی، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ذکر شده است که شاید بتوان آن‌ها را در خلق‌وخو و رسیدگی سید به نیازمندان، حمایت علما و بازاریان از حرکت شفتی و ضعف و استبداد دولت مرکزی خلاصه کرد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

خلق‌وخو و رسیدگی سید به نیازمندان

در این خصوص می‌توان به پایگاه اجتماعی قوی فقها در بین مردم مسلمان در زمان‌های مختلف و جایگاه بلند مرحوم سید شفتی در بین مردم و در حمایت از مردم ایران اشاره کرد.

در خصوص پایگاه علما و فقها در نزد مردم و تبعیت و پیروی از آنان، باید اشاره شود که مردم در طول تاریخ نسبت به حاکمان و حکومت‌ها بدبین بوده و به علما و فقهایی که مقید به تقلید احکام شرعی از آنان بودند تمایل خاص و احترام ویژه‌ای قائل بودند. به همین جهت، مردم به سید شفتی گرایش پیدا کردند و از وی تبعیت نمودند. همچنین اگر ویژگی‌های شخصیتی سید شفتی را نیز مورد مطالعه قرار دهیم این مسئله بیشتر روشن خواهد شد.

۱. سید صمصام‌الدین قوامی، مدیریت از منظر کتاب و سنت، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۰.

سید محمدباقر خوانساری در کتاب «روضات الجنّات» نوشته است که سید شفتی در جود و بخشش به پایه‌ای بود که می‌توان گفت: همه موجودات درگرو احسان او بوده و او از علم و مال و مقام نسبت به هیچ‌یک از نیازمندان دریغ نمی‌داشت.^۱

میرزا محمدعلی مدرس درباره عطایا و مواهب او به نیازمندان می‌نویسد: «فوایدی که از وی به سادات و فقرا و طلاب علوم دینی عاید می‌گردید، خارج از حدّ احصا می‌باشد.»^۲

از مرحوم تنکابنی نقل شده که روزی از منزل خود به مدرسه میرزا حسین (که در کنار مسجد سید قرار دارد) می‌رفتم، در بین راه به کوچه کنار خانه سید حجت‌الاسلام، گذارم افتاد. جمعیت زیادی از فقرا و سادات را دیدم که به سمت خانه سید می‌رفتند، به‌گونه‌ای که از زیادی عدّه آنان، عبور از کوچه سخت شده بود. علّت را پرسیدم، جواب دادند: نزدیک به هشتصد تومان سهم مبارک امام علیه‌السلام از بروجرد آورده‌اند نزد سید حجت‌الاسلام و ایشان دستور فرموده‌اند فقرا و سادات را خبر کنند تا آن پول را بین ایشان تقسیم کند و وی تمام آن پول را در نیم ساعت تقسیم نمود.^۳

علامه خوانساری، از شاگردان مرحوم حجت‌الاسلام، درباره خصوصیات اخلاقی و رفتاری استاد خویش می‌نویسد:

در نرمی و ملایمت آن قدر اخلاقی لطیف و ملایم بود که من اخلاق او را همیشه به اخلاق جد بزرگوارش حضرت محمد ﷺ تشبیه می‌کردم. در حلم و بردباری او را حلیم‌ترین افراد در مقام فروبردن خشم و غیظ خود دیدم. در صبر و تحمل به‌گونه‌ای بود که بیشتر از همه بر نفس خویش تسلط داشت و مانند کوهی مقابل آندوه‌ها و مشکلات پابرجا بود و هرگز تزلزل و

۱. محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمدباقر ساعد خراسانی، قم، کتاب‌فروشی اسماعیلیه، ۱۳۵۶ ش، ج ۲، ص ۹۹.

۲. سید محمدباقر شفتی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقاید فرقه شیخیه، قم، عطر عترت، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۳۳.

ضعف در وجود او راه پیدا نمی‌کرد. در صفای نفس و وسعت نظر به‌گونه‌ای بود که اگر بسیاری از اشخاص و یا بستگان و برادران او در مقام قطع ارتباط با او بودند، او همیشه در برقراری روابط با آن‌ها و احسان به آن‌ها کوشا بود. در توجه و رعایت آداب عرفی و حسن معاشرت، یگانه روزگار بود و همه در برابر بزرگواری و خوش‌رفتاری او خاضع بودند.^۱

مقبولیت سید حتی نزد خانواده شاه، نقل شده است چنانکه در تاریخ ایران آمده است: تاج الدوله یکی از همسران فتحعلی شاه پس از مرگ همسر خود از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی پناه برد.^۲

حالات و صفات نفسانی از جود و سخاوت و حلم و صبر و دیگر ملکات و خصائلی که در سید شفتی وجود داشت، سبب گردید که مردم از هر طبقه و دسته به ایشان متمایل گردیده و او را از جان‌ودل دوست بدارند.^۳

از عوامل مؤثر در شهرت و نفوذ و اقتدار سیدمحمدباقر، غیر از ثروت شکوهمندش که به نظر می‌رسید پاداش الهی دیانت اوست و نفوذی که از دریافت و توزیع زکات به دست آورده بود، رفعت مقام او در اصفهان منشأ دیگری داشت که همانا انجام کامل تکالیف قضائی مجتهد و اجرای حدود شرعی توسط وی بوده است. باوجودی که قبل از وی مجتهدانی - استاد او آقا محمدباقر بهبهانی و پسرش آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف به صوفی کش - سعی و

۱. سید محمدباقر شفتی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقاید فرقه شیخیه، پیشین، ص ۳۲، به نقل از محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، پیشین، ج ۲، ص ۹۹.

۲. عباس قدیانی، فرهنگ جامع تاریخ ایران از ورود آریایی‌ها تا پایان عصر پهلوی، چاپ ششم، تهران، نشر آرون، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. سید مصلح‌الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، اصفهان، کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۱۱۷.

اهتمام تمام در امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود شرعی داشتند، ولی سید محمدباقر گوی سبقت را از آنان ربوده و سعی و اهتمام زیاد در این امر داشت.^۱

سید شفتی خود در مقام نیابت از امام علیه السلام به قضاوت می‌نشست و حدود را اجرا می‌کرد، قاتلان را قصاص می‌کرد، حد می‌زد، تعزیر می‌کرد و دست دزدان را می‌برید.^۲

محمد تنکابنی در قصص العلماء اشاره فرموده‌اند که: «سوط و صولت آن جناب در امر به معروف و نهی از منکر، زیاده از آن است که به اقلام در قراطیس وصف این مقام گنجد.»^۳

مقام شامخ علمی و تسلط بر مطالب علمی به خصوص در فقه و رجال، وی را از عموم علمای معاصر خود ممتازتر ساخته بود.^۴

به سبب نفوذ معنوی و تفوق علمی، خیلی زود شهرتی پیدا نمود، به شکلی که از مناطق دور و نزدیک وجوه شرعی و نذور رایج را نزد او می‌فرستادند و از این طریق قدرت غیرقابل‌تصوری در امور مالی و مادی به دست آورده بود.^۵

سید ظاهراً در حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و بیماری‌های همه‌گیر نیز در کمک‌رسانی به مردم پیش قدم بوده است.^۶

۱. حامد الگار، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، مترجم: ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۱۰.

۲. فروغ پارسا، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان علیه‌السلام، دو فصلنامه جستارهای تاریخی، ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۲، ص ۲۱ تا ۳۹.

۳. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۸۴.

۴. سید مصلح الدین مهدوی، نجوم امت؛ فقیه مجاهد حضرت آیه الله حاج سید محمدباقر شفتی، مجله نور علم، شماره ۳۴، ۱۳۶۸، ص ۷۶.

۵. امیرحسین خالقی نژاد، نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۳۶.

۶. فروغ پارسا، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان علیه السلام، پیشین، ص ۲۱ تا ۳۹.

در نهایت، مرگ او چنان تأثر مردم را برانگیخت که روزهای متعددی بازار در عزای او بسته بود.^۱

حمایت علما و بازاریان از حرکت شفتی

حمایت علما و نخبگان جامعه از سویی و حمایت بازاریان و تجار از سوی دیگر، دو بازوی قدرتمندی را تشکیل می‌دهند که حمایت‌های مادی و معنوی را به ارمغان می‌آورد و سید شفتی هر دو را داشت.

حمایت علما

سید مصلح الدین مهدوی علت مقبولیت یافتن سید شفتی را در ۱. شخصیت بارز و علم وافر و شجاعت او در امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر منہیات. ۲. برخورداری از صفات نیک نفسانی مانند جود و سخاوت و حلم. ۳. حمایت علمای بزرگ زمان از او، نظیر میرزای قمی، آقا سید محمد مجاهد، حاج ملأ علی نوری. ۴. تقویت شفتی توسط حاجی محمدابراهیم کرباسی مشهور به حاجی کلباسی می‌داند.^۲

مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی

مرحوم سید شفتی بهره‌های فراوانی از محضر میرزای قمی برده است، چنانچه به مرحوم علامه حاج سیدمحمدباقر خوانساری از شاگردان خویش می‌فرماید: برای من در این مدّت کم، به‌اندازه تمام مدّت تحصیلم در عتبات یعنی هشت سال ترقّی کامل حاصل

۱. محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۵.
۲. سید مصلح الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۷.

گشت.^۱ مرحوم میرزای قمی از مشایخ اجازه سید حجّت الاسلام نیز بوده و در اجازه روایتی که به ایشان داده‌اند، بر اجتهاد، نبوغ علمی، زهد و تقوای حجّت الاسلام گواهی داده است.^۲

آقا سیدمحمد مجاهد

آقا سیدمحمد مجاهد اصفهانی حائری فرزند علامه جلیل آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل، است.

صاحب قصص العلماء معتقد است که سبب اشتهار سید شفتی، چند چیز شد؛ یکی، توصیف آقا سیدمحمد که از او در اصفهان پرسیدند که: آقا سیدمحمدباقر، مجتهد است؟ آن جناب در جواب فرمود که: اجتهاد او را از من سؤال نکنید؛ بلکه از او سؤال کنید که سیدمحمد، مجتهد است یا نه.^۳

آخوند ملّا علی نوری مازندرانی رحمه‌الله

حاج ملّا علی نوری از اجلای حکما متألهین و استاد جمعی کثیر از بزرگان اهل علم و دانش در عموم شهرهای ایران به‌خصوص در اصفهان بود.^۴ آخوند ملاعلی نوری به سید حجّت الاسلام ارادت می‌ورزیده و پس از فوت میرزای قمی، از سید حجّت الاسلام تقلید می‌کرده است.

مؤلف «قصص العلماء» می‌نویسد: سید و حاجی کرباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند.^۵

حاج ملّا علی نوری در تأیید نظر مرحوم حجّت الاسلام شفتی درباره مسئله‌ای فقهی، او را با این اوصاف ستوده است:

۱. محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۰.
۲. سید محمدباقر شفتی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقاید فرقه شیخیه، پیشین، ص ۲۹.
۳. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۸۲.
۴. سید مصلح‌الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۷.
۵. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، پیشین، ص ۱۵۰.

«عَلَامَةُ الْعَهْدِ فَقِيهَ الْعَصْرِ حُجَّةَ الطَّائِفَةِ الْمُحَقِّقَةَ قَبِلَتِ الْكِرَامُ الْبَرَزَةَ الْفَرِيدَ الدَّهْرِيَّ وَ
الْوَجِيذَ الْعَصْرِيَّ مُطَاعٌ وَاجِبُ الْإِتِّبَاعِ مُعْظَمُ مَجْمُوعَةِ الْمَنَاقِبِ وَالْمَفَاخِرِ آقَا سَيِّدُ مُحَمَّدَبَاقِرٍ
دَامَتْ بَرَكَاتُ فَضَائِلِهِ الْإِنْسِيَّةِ وَشَمَائِلِهِ الْقُدْسِيَّةِ»^۱

همچنین نقل شده که حاجی ملا علی نوری، حکیم و فیلسوف بزرگوار با کبر سن و
مقام شیخوخیت، جهت درک نماز جماعت و اقتدا به مرحوم سید با بعد مسافت به مسجد
میرزا باقر و بعدها مسجد سید حاضر می‌شد.^۲

مرحوم آیت‌الله حاج محمدابراهیم کرباسی (حاجی کلباسی)

محمدابراهیم پسر محمدحسن کلباسی در نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۱۸۰ در اصفهان متولد
شد.^۳

احساس فروتنی در برابر سید محمدباقر شفتی نمونه‌ای از احترام وی برای مشاهیر
شیعه و علمای اسلامی است و این تواضع و مقدم داشتن سید شفتی بر خود، در حالی بود
که کرباسی مرجعی نامدار و فقیهی عالی‌مقام بود و شهرت علمی فراوانی داشت. کرباسی
در عتبات با سید محمدباقر شفتی آشنا شد که این ارتباط، علاقه و دوستی میان آن‌ها را
به‌تدریج افزایش داد. آن دو هم‌زمان به مقام مرجعیت رسیدند و باوجود آنکه در شهر
اصفهان سکونت داشتند، اقتدار معنوی و اجتماعی هیچ‌کدام موجب تکدر خاطر دیگری
نشد و این دوستی با پیوندی سببی، محکم‌تر و شیخ محمدمهدی فرزند ارشد کرباسی به
دامادی سیدمحمدباقر شفتی درآمد.^۴

۱. سید محمدباقر شفتی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقاید فرقه شیخیه، پیشین، ص ۲۵.

۲. سید مصلح‌الدین مهدوی، نجوم امت؛ فقید مجاهد حضرت آیه الله حاج سید محمدباقر شفتی، پیشین، ص ۷۵.

۳. سید مصلح‌الدین مهدوی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، تصحیح و تحقیق رحیم قاسمی و محمدرضا نیل
فروشان، اصفهان، گلدسته، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۴۳.

۴. سید مصلح‌الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶.

مرحوم میرزا محمد تنکابنی در شرح زندگانی مرحوم کلباسی می‌نویسد که ایشان اعتقاد داشتند که اجتهاد در نهایت سختی است و به‌سادگی اجتهاد کسی را نمی‌پذیرفت اما در مورد سید شفتی می‌گوید: «اگر رسول خدا ﷺ در مدینه بود و مردم اصفهان قاضی می‌خواستند، آن حضرت آقا سید محمدباقر را به قضاوت نصب می‌نمود.»^۱

سید مصلح الدین مهدوی در بیان احترامی که حاجی کلباسی و مرحوم نوری در اجتماعات نسبت به مرحوم سید حجة‌الاسلام رعایت می‌نمودند، آورده است: «مرحوم حاجی هیچ‌گاه در موقع راه رفتن بر مرحوم سید مقدم نمی‌شد. سید و حاجی هر دو پشت سر مرحوم حاج ملا علی نوری راه می‌رفتند. از نظر مقام استاد و احترام و بزرگداشت ایشان.»^۲

حمایت بازاریان

بازوی دوم شکل‌گیری و قدرت یافتن حکومت فقهی سید شفتی؛ حمایت تجار، ممولان و بازاریان بود.

یکی از مواردی که در ایجاد حکومت سید شفتی نقش بسزایی داشت و زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت وی گردید، وجود منابع مالی و امکانات اقتصادی بود. سید شفتی در بین علمای امامیه، پس از سید مرتضی علم‌الهدی و سید رضی، از امکانات گسترده اقتصادی برخوردار گشت.^۳

سید شفتی به سبب نفوذ معنوی و تفوق علمی، شهرت بسیاری کسب کرد که همراه با ثروت فراوان، قدرت غیرقابل‌تصوری در امور مالی و معنوی به دست آورده بود. ثروت او

۱. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۱۹.

۲. سید مصلح الدین مهدوی، نجوم امت؛ فقیه مجاهد حضرت آیه الله حاج سید محمدباقر شفتی، پیشین، ص ۷۵.

۳. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، پیشین، ص ۱۴۰؛ عباس اقبال آشتیانی، شرح حال حجة‌الاسلام سید محمدباقر شفتی، مجله یادگار، سال پنجم، شماره دهم، ۱۳۲۸، ص ۳۲.

موردتوجه اعیان و حکام محلی و حتی سلاطین وقت بوده که در مواقع ضرورت از او استمداد مالی می‌کردند.^۱

ثروت خود را در جهت رفع نیازهای مساکین و فقرا و طلاب و نیازمندان بذل و بخشش و به امور آنان رسیدگی می‌کرد و دو باب دکان یکی نانوايي و ديگري قصابی را برای رفع نیاز فقیران آماده کرد تا به صورت رایگان از آن استفاده کنند.^۲

برخی معتقدند که حجة‌الاسلام سید محمدباقر شفتی علاوه بر جایگاه مهم دینی، خود از تجار بزرگ اصفهان بود.^۳ در یک تحلیل نهایی می‌توان گفت، علما با مشروعیت دادن به فعالیت‌های مالی و اقتصادی بازرگانان و بازاریان از آنان در مواقع ضروری در برابر حکومت حمایت می‌کردند. این امر سبب مقبولیت بازرگانان نزد توده مردم و در نتیجه موجب رونق بازار کارشان می‌گردید.^۴ بنابراین سید شفتی در بین علمای امامیه، پس از سید مرتضی علم الهدی و سید رضی، از امکانات گسترده اقتصادی برخوردار گشت.^۵

در هر صورت، علما با تجار روابط نزدیکی داشتند که برای هر دو طرف سودمند بود. از یک سو تجار برای انجام امور روزانه به خدمات علما نیاز داشتند مانند تنظیم و گواهی اسناد و رضایت علما به دلیل نفوذی که در بازار و مردم داشتند، در امور تجاری لازم بود. ندایی از جانب آنان می‌توانست منجر به تعطیلی بازار یا تحریم نوعی کالا شود، همان‌طور که در سال ۱۳۰۹ ق استعمال تنباکو تحریم شد؛ اما از سوی دیگر، علما نیز تا حد زیادی به خدمات تجار وابسته بودند که در شهرها به آنان زکات می‌دادند و سرمایه لازم برای مجالس ماه‌های رمضان و

۱. همان، ص ۳۴.

۲. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، اسلامیه، پیشین، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۱۴۱.

۴. مهري ملكی ديزیچه، شهر اصفهان در دوره محمدشاه قاجار، دانشگاه الزهراء، کارشناسی ارشد تاریخ، اسفند ۱۳۸۲ ش، صص ۹۵ - ۹۷.

۵. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، پیشین، ص ۱۴۰؛ عباس اقبال آشتیانی، شرح حال حجة‌الاسلام سید محمدباقر شفتی، پیشین، ص ۳۲.

محرم و همچنین اعیاد مذهبی را فراهم می‌کردند. تجار و اصناف برای به دست آوردن حمایت به علما نظر داشته و هنگام مشقت به خانه آنان پناه می‌بردند. روابط بین آنان با تعلیم و تربیت و آموزش فرزندان تجار توسط علما تقویت می‌شد. علمای برجسته و تجار می‌کوشیدند موقعیت خود را تثبیت کنند و از طریق زناشویی بر نفوذ یکدیگر می‌افزودند.^۱

رابطه علما با بازرگانان و بازاریان در دوران محمدشاه به گونه‌ای بود که نشان‌دهنده جایگاه مستحکم علمای دین در میان اقشار جامعه به‌ویژه تجار بود. بدین معنی که بخشی از هزینه مالی روحانیان به شکل خمس و سهم امام به‌وسیله بازار تأمین می‌شد.^۲

نقل شده که یکی از خوانین شفت مالی گزاف به نزد مرحوم سیدحجه الاسلام فرستاده و گفت قسمتی از آن متعلق به خود آن مرحوم باشد و بقیه را به معامله داده و آن نیز متعلق به خود سید حجه الاسلام بوده و پس از فوت خان مزبور آن مبلغ در مصارف خیر به‌کاربرده شود. از اطراف و جوانب و شهرهای ایران و خارج از کشور مانند هند و افغانستان وجوهات شرعی از خمس و زکوه و صدقات و سهم مبارک امام علیه‌السلام به نزد ایشان می‌آوردند و مرحوم سید آن را طبق موازین شرعی مصرف می‌نمود. همچنین از طرف تجار و مالکین و اعیان تحف و هدایایی خدمتشان تقدیم می‌شد.^۳

ثروت و امکانات اقتصادی این فرصت را برای سید شفتی فراهم آورد که دولت غیررسمی علما را در اصفهان تأسیس کند و زمام امور شهر را تا حدود زیادی به دست گیرد، شفتی با همکاری طرفدارانش -کسیه، لوطیان و مردم معمولی- انتظامات ویژه‌ای

۱. آن کاترین لمبتون، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، انتشارات جاودان خرد، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۶۵.

۲. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، پیشین، ص ۱۴۹.

۳. سید مصلح الدین مهدوی، بیان المفآخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، صص ۱۳۶ - ۱۳۷.

در شهر به وجود آورده بود و از این طریق قوانین شرعی را اجرا می کرد و به دستورهای حکومت مرکزی وقعی نمی گذاشت.^۱

ضعف و استبداد دولت مرکزی

علاوه بر خلق و خوی نیکو و رسیدگی به محرومان و مستضعفان که محبوبیت و مقبولیتی دوچندان برای سید شفتی ایجاد کرده بود، حمایت علما و نخبگان زمان و حمایت و مساعدت بازاریان و تجار، می توان ضعف و استبداد دولت مرکزی را نیز عامل مهم دیگری برای شکل گیری حکومت سید شفتی دانست.

محمدشاه اگر عنوانی پیدا کرده بود مدتی به واسطه وجود عباس میرزا - پدرش - و بعد در آغاز سلطنتش به واسطه شخص قائم مقام صدراعظم او بود و پس از کشتن صدراعظم خود، اوضاع به کلی به هم خورد. از یک طرف به واسطه علیل و مریض بودن و درویش بازی محمدشاه و از طرف دیگر تحریکات بیگانه به قدری هرج و مرج در ایران تولید شد که اگر میرزا تقی خان امیر کبیر پس از درگذشت محمدشاه و جلوس ناصرالدین شاه به اوضاع درهم و برهم ایران سر و صورتی نمی داد، ایران به طور قطع تجزیه و تقسیم می گردید.^۲

دوران سلطنت ۱۴ ساله محمدشاه را باید به دو مرحله متفاوت تقسیم کرد: دوران کوتاه صدارت قائم مقام که در این دوران، مملکت از نظم نسبی برخوردار بود و وی سیاست موازنه منفی را در برابر روس و انگلیس دنبال می کرد و در دوره دوم، دوره صدارت حاجی میرزا آقاسی که شرایط ضعف از نو فراهم شد. در اثر سوء تدبیر و سیاست

۱. فروغ پارسا، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان علیه السلام، پیشین، ص ۲۱ تا ۳۹.

۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۰.

صدراعظم، کشور به طرف فساد و تباهی سوق داده شد و بی‌نظمی و هرج و مرج و رشوه‌خواری در سراسر قلمرو ایران رواج یافته بود.^۱

در هر صورت، شاه مردی ضعیف‌النفس و سست اراده و صوفی مسلک بود و صدراعظم - حاج میرزا آقاسی - مردی بی‌کفایت و بی‌تدبیر و ضمناً مرشد و مربی و معلم شاه و از نظر صوفی‌گری با قاطبه علماء مخالف بود و شاه را مطابق میل خود رهبری می‌نمود.^۲

گاسپار دروویل در سفرنامه خود تأکید کرده است که مردم به روحانیون بیش از مقامات حکومتی اهمیت می‌دادند.^۳

جابری انصاری در تاریخ اصفهان در زمینه آرامش حاصل از اجرای حدود شرعی به وسیله شفتی می‌نویسد:

«پیش از ورود آن عالم ربانی به اصفهان از اشرار و الوار و لوطی‌گری محشری برپا بود. حکومت و سلطنت را وقعی نمی‌گذاشتند. چنان‌که گویند حاج هاشم خان لبنانی اگر دختری را از درب خانه او برای داماد می‌بردند، می‌فرستاد پرده بکارت او را برداشته، بعد به خانه شوهر می‌فرستادند. خون‌های ناحق ریخته می‌شد. هرج و مرج، شهر و آن نواحی را فراگرفته بود. آن مؤمن غیور [شفتی] برای تکلیف الهی و حیات بشری بعضی را که قتل عمد نموده، نزد او آوردند، پس از ثبوت شرعی و اقرار قاتل، توبه داده و قصاص فرموده و ایالتی امن شده و حفظ خون و مال و ناموس برقرار ساخت.»^۴

۱. اوستین هنری لایارد، سفرنامه لایارد؛ ماجراهای اولیه در ایران، مترجم مهرباب امیری، تهران، نشر وحید، ۱۳۶۷ ش، ص ۲۹.

۲. سید مصلح‌الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. گاسپار دروویل، سفرنامه دروویل؛ سفر در ایران، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲۸.

۴. سید محمود سادات بیدگلی، نگاهی به زندگی و نظرات و اقدامات حجه الاسلام سید محمدباقر شفتی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵۰.

احمد رهدار بر این باور است که سید محمدباقر شفتی با حکومت‌های استبدادی محلی و به‌طور کلی با حکومت‌های استبدادی قاجاری سر ناسازگاری داشته و در موارد متعددی میان او و سلاطین وقت به‌ویژه والیان اصفهان برخوردهای شدیدی روی می‌دهد. سید شفتی با اجرای احکام اسلام، فضا را بر ظالمان و ستمگران تنگ کرده و مایه انبساط خاطر مؤمنین شده بود.^۱

رابطه مردم با علما در مقایسه با ارتباط با مأموران دولتی بسیار عمیق‌تر بود. کارکنان حکومت، عمدتاً برای جمع‌آوری مالیات و اعزام سربازان، با جمعیت در تماس بودند درحالی‌که علما جهت تنظیم همه‌گونه امور اجتماعی و اقتصادی و دینی در تماس دائم با مردم بودند و از همه مهم‌تر امنیت خویش را از آنان می‌طلبیدند، نه از کارکنان دولت.^۲

وابستگی گروهی از لوطیان به روحانیان و علما و حمایت ایشان از یکدیگر در بسیاری موارد، آن‌چنان بود که به‌جرئت می‌توان از آنان به‌عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی و مجتهدان یاد کرد.^۳ از نمونه این علما می‌توان سیدمحمدباقر شفتی را نام برد که در اوایل سلطنت محمدشاه در شهر اصفهان با استفاده از لوطیان طرفدار خود که سی هزار نفر بودند،^۴ علیه حکومت محلی شهر و تضعیف حکومت مرکزی، قوه قضائیه و مجریه تشکیل داده و در حقیقت، حکومت می‌راند.^۵

۱. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۲۱.

۲. فروغ پارسا، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان (عج)، ص ۲۱ تا ۳۹.

۳. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۸۱.

۴. اوژن فلاندن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه کریم امامی، تهران، ناشر زرین و سیمین، بی‌تا، ص ۱۰۳.

۵. مه‌ری ملکی دیزیجه، شهر اصفهان در دوره محمدشاه قاجار، پیشین، صص ۹۸ - ۱۰۱.

برخی معتقدند که علت حمایت سید شفتی از لوطی‌ها، بازگرداندن قدرت سابق خودش بود. سید شفتی چون همواره قدرت مرکزی و عمال آن را با اکراه می‌پذیرفت، ناگزیر از حمایت لوطیان بود. او حتی برای بازگرداندن قدرت خود با بازماندگان صفوی نیز ائتلاف کرده بود و به آن‌ها اعاده قدرت به صفویان را وعده داده بود.^۱

فتحعلی شاه توجه خود را تا حد زیادی به علمای اصفهان معطوف داشت. از آن جمله سه تن به خاصه نفوذ خاصی داشتند که عبارت‌اند از ملاعلی نوری، حاج محمدابراهیم کلباسی و حجة‌الاسلام سید محمدباقر شفتی. در میان این سه عالم؛ حجة‌الاسلام سید محمدباقر شفتی به مراتب مهم‌تر از همه بود، در وجود او نمونه یک مجتهد ثروتمند و قاطع بود که قدرت قضائی، اقتصادی و سیاسی‌اش از قدرت حکومت دنیوی بیشتر بود و حکومت دنیوی وظایف خود را در واقع تنها با رضایت او انجام می‌داد و در اطاعت او بود. سید محمدباقر تا هنگام مرگش که در ایام حکومت محمدشاه رخ داد، به نحو مؤثری بر زندگی اصفهان استیلا داشت.^۲

شیوه مدیریت فقهی سید شفتی

شاید بتوان اصول مدیریت فقهی سید شفتی را در استکبار و ظلم‌ستیزی، تلاش برای پیاده‌سازی حداکثری دین در جامعه و مبارزه با عقاید و افکار انحرافی خلاصه کرد.

استکبار و ظلم‌ستیزی

یکی از اصولی که در طول تاریخ، باعث تقویت روحیه مقاومت مسلمانان در برابر هرگونه ظلم و ستمی شده، اصل ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی است.

۱. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پیشین، صص ۳۲۵ - ۳۲۶.

۲. حامد الگار، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، پیشین، صص ۱۰۷ - ۱۰۹.

شدت درگیری سید شفتی با شاهان قاجاری به قدری است که حتی یک‌بار محمدشاه قاجار مجبور می‌شود با لشکرکشی به اصفهان، نزد سید شفتی قدرت‌نمایی کند.^۱

آن جناب، هرگز به دیدن و بازدید و میهمانی کسی نمی‌رفت؛ و هرگز به دیدن حاکم بلد نرفت. بلی، به دیدن سلطان، در زمان ورود به اصفهان می‌رفت؛ و حاکم اصفهان، هر وقت که شرفیاب خدمت ایشان می‌شد، در دم در سلام می‌کرد و می‌ایستاد و بسا بود که آن جناب، ملتفت نمی‌شد؛ بعد از ساعتی نگاه می‌کرد و او را اذن جلوس می‌داد و تواضع نمی‌کرد.^۲ حکام اصفهان ناگزیر با چنین شخصیت مهیبی با فروتنی و احترام رفتار می‌کردند. اگر می‌خواستند او را ببینند چاره‌ای جز این نداشتند که به خانه‌اش بروند، با احترام و سکوت، گوشه‌ای منتظر بمانند تا او برحسب اتفاق متوجه حضور آنان شود.^۳

سید محمدباقر شفتی از جمله مراجع محلی در عصر قاجار و قدوه مجتهدین و افضل فضلاء ایران زمین و فحل علمای ایران بود که با حکومت‌های استبدادی محلی و حتی حکومت قاجار سر ناسازگاری داشته و در مواردی روابطشان دچار تنش می‌شد.^۴ ایشان با همه فروتنی‌اش، در مقابل توانگران مغرور، کرداری ویژه داشت. گاه فرماندار شهر بر او وارد شده، سلام می‌کرد و می‌ایستاد. سید در نهایت بی‌توجهی به کار خویش پرداخته، پس از ساعتی به او می‌نگریست و اجازه نشستن می‌داد.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پیشین، ص ۳۲۲.

۲. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، تهران، پیشین، ص ۱۸۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. میرزا محمدتقی لسان‌الملک سپهر، ناسخ التواریخ؛ سلاطین قاجاریه، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۳ ش، ص ۴۵۶.

۵. جمعی از پژوهش‌گران، گلشن ابرار؛ خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل از ثقة‌الاسلام کلینی تا آیه الله خامنه‌ای، قم، معروف، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۳۴۷ - ۳۴۸.

تلاش برای پیاده‌سازی حداکثری دین در جامعه

سید، فقیه بود و مجتهد و در بسیاری از موارد به اجتهاد خود عمل می‌کرد پس امر به معروف کرده و نهی از منکر می‌نمود و خطاکاران را حد می‌زد و همواره تلاش می‌کرد تا دین را در جامعه پیاده نماید. دخالت سید شفتی در امور حکومتی مبتنی بر نظریه نیابت فقیه از امام زمان (عج) بوده و تفاوت وی، با دیگر فقیهان مکتب وحید بهبهانی، صرفاً در چگونگی تلقی وی از مشروعیت سلطنت بوده است. در واقع به جز شفتی دیگر فقیهان شیعی آن دوران حرکتی برای برپایی حکومت انجام نداده بودند و سلطنت شاهان قاجار را مشروع می‌دانستند.^۱

گسترش نفوذ روحانیون در این دوره و داعیه حکومت، صرفاً به دنیای نظر محدود نمی‌ماند؛ یعنی فقط این نبود که در مباحثات نظری مربوط به حکومت، تحت عنوان نیابت، خود را وارث حکومت در معنای کشورداری بدانند. اگر ملأ احمد نراقی در مقام نظر، نظریه ولایت فقیه را تدوین می‌کرد، سید شفتی در مقام عمل در اصفهان داعیه حکومت در سر می‌پروراند و عملاً به چنان اقتداری دست یافته بود که قدرت دولت و حکومت فرع بر قدرت او بود.^۲

سید شفتی اقامه حدود را در غیبت امام واجب می‌دانست و می‌گفت که حکم من در این قبیل مسائل بعینه حکم حضرت صاحب‌الزمان است. عدد کسانی که سید ایشان را در دوره سلطه خود در اصفهان به تازیانه حد زده، از حساب بیرون است و شماره کسانی را که او به دست خویش به عنوان اقامه حدود کشته تا یک صد و بیست نفر نوشته‌اند و سه تن از علمای مشهور را تکفیر نمود.^۳

۱. فروغ پارسا، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان (عج)، پیشین، ص ۲۱ تا ۳۹.

۲. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پیشین، ص ۹۹.

۳. احمد مجد الاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط مجلس، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۰۳.

شفتی بر اساس آیات و روایات و روایت مقبوله عمر بن حنظله در قضاوت فقیهان و توفیق حضرت حجت در ولایت فقها و اتفاق نظر علمای شیعه بر اجرای حدود در عصر غیبت به دست فقها، لزوم اجرای حدود توسط مجتهدان را اثبات کرد.^۱

اجرای حدود شرع توسط شفتی بیانگر تفکر اداره امور جامعه توسط علما بوده است. سید شفتی با اجرای احکام اسلام، فضا را بر ظالمان و ستمگران تنگ کرده و مایه انبساط خاطر مؤمنین شده بود و توانسته بود، قدرتی در مقابل حکام محلی به دست آورد. سید در این دوران قدرت بلامنازع منطقه به شمار آمده و در قلمرو اصفهان حکومت و دیانت را باهم به نمایش گذاشته بود.^۲ در احوال مرحوم سید محمدباقر شفتی نوشته‌اند که خود مستقل از دربار و دولت، هرگاه حکمی از احکام الهی تعطیل می‌شد و جرمی محقق می‌شد، حدود الهی را اجرا می‌کرد.^۳ پس از دست یافتن سید شفتی به مکنت و ثروت و قدرت معنوی، آنچه وی را در بین علمای اواخر دوره فتحعلی شاه و عصر محمدشاه متمایز ساخته بود، اعتقاد او به ضرورت اقامه حدود شرعی در عصر غیبت، به‌خصوص تشکیل محکمه شرعی در اصفهان و اقدام به اجرای احکام شرعی بود.^۴

خوانساری در روضات الجنات می‌نویسد: «عده جانبیان و ظالمان و زنا دهندگان و مخالفان و لاطیان را که در زمان ریاستش محکوم به حد ساخته، هشتاد یا نود و یا

۱. مهدی صلواتی، اجرای حدود در عصر غیبت از دیدگاه شفتی، حکومت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۸، ۱۳۸۶، صص ۱۹۴ - ۱۹۹.

۲. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پیشین، ص ۳۳۳.

۳. سید مصلح الدین مهدوی، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۶۴.

۴. محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۳.

صدوبیست نفر بوده‌اند و اغلب این‌ها در گورستانی که نزدیک منزلش بوده و به نام قبله الدعا خوانده می‌شد، مدفون شده‌اند.^۱

درباره قضاوت و حل و فصل شکایات از طریق سید شفتی، تنکابنی در قصص العلماء می‌نویسد: «من خود از حاجی کلباسی شنیدم که فرمود: اگر رسول خدا در مدینه بود و مردم اصفهان از وی قاضی می‌خواستند، آن حضرت آقا سیدمحمدباقر را به قضاوت نصب می‌کرد.»^۲ این نشان‌دهنده حمایت بزرگان زمانه از سید شفتی و اقداماتش در قضاوت و اجرای حدود شرعی دارد.

مبارزه با عقاید و افکار انحرافی

سید شفتی همانند دیگر اعلام و بزرگان دین به مقابله با عقاید و افکار انحرافی اهتمام می‌ورزید و چون قدرت و حکومت داشت، توان مقابله او با افکار انحرافی دوچندان شده بود. وی به تکفیر و تفسیق صوفیان و مخالفت با آنان می‌پرداخت، از جمله به تکفیر زین‌العابدین شیروانی - قطب نعمت‌الله - پرداخت که در اوایل سلطنت به محمدشاه نزدیک بود و ظاهراً به دلیل همین تفسیق شفتی در سال ۱۲۴۱ ق از شیراز فراری شد و به دربار عباس میرزا پناهنده شد.^۳

با میرزا آقاسی به خاطر اختلافات عقیدتی و به دلیل کوشش آقاسی برای کوتاه کردن دست علما از قدرت سیاسی، روابط موافقی نداشت. وی روی کار آمدن میرزا آقاسی و کوشش‌های او را برای غلبه سلطه حکومت مرکزی بر مراجع مذهبی کشور، توطئه‌ای از

۱. محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانۃ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، چاپ سوم، تهران، کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۲۸.

۲. میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، پیشین، ص ۱۳۲.

۳. میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴، اصفهان، انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۸۰.

سوی صوفیه برای براندازی علما برمی‌شمرد و بی‌دلیل نبوده است که در فتاوای خود به سران صوفیه حمله‌ور شده و آنان را متهم به اضرار عباد کرده و معتقد بود که با امرا و ظلمه یعنی اولیای دولت همراه‌اند.^۱



۱. عباس امانت، پیشوای امت و وزیرمختار بی‌تدلیس انگلیس (مراسله حاج سید محمدباقر شفتی و سرجان مکنیل در قضیه لشکرکشی محمدشاه به هرات)، ایران‌شناسی، بهار ۱۳۶۹، شماره ۵، صفحه ۱۱ تا ۴۱.

نتیجه‌گیری

در بیشتر حکومت‌هایی که در طول تاریخ تشکیل شده‌اند، غیر عالمان در رأس حاکمیت بوده‌اند و عالمان مسلمان یا به‌عنوان مقام قاضی‌القضات در ساختار حاکمیت تعریف شده بودند یا به‌عنوان مشاوران خلفا و حاکمان به کار گرفته شده بودند. در این بین حکومت‌هایی هم بودند که عالمان و فقیهان در رأس آن‌ها بوده و برای مدتی هرچند کوتاه و در محدوده جغرافیایی کوچک، حکمرانی کرده‌اند که حکومت سیدمحمدباقر شفتی در اصفهان در دوره حاکمیت محمدشاه قاجار از این دست می‌باشد.

در حکومت سید شفتی و در قالب زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری این حکومت، سه عامل مورد اشاره قرار گرفت؛ نخست خلق و خو و رسیدگی سید شفتی به محرمان و نیازمندان است که در تواریخ مورد توجه قرار گرفته بود. عامل دوم حمایت عالمان، بزرگان و تجار و بازاریان از حرکت سیاسی و اجتماعی سید شفتی بود و علمای بزرگ و شاخصی مانند مرحوم میرزای قمی، آقا سیدمحمد مجاهد، حاج ملاعلی نوری و حاجی محمد کلباسی معروف به حاجی کلباسی از سیدمحمدباقر شفتی حمایت کردند.

یکی دیگر از مواردی که در ایجاد حکومت سید شفتی نقش بسزایی ایفا کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری حکومت او شد، وجود منابع مالی و امکانات اقتصادی در اثر حمایت تجار و بازاریان از وی بود. ثروت و امکانات اقتصادی این فرصت را برای سید شفتی فراهم آورد که دولت خود را در اصفهان تأسیس کرده و زمام امور شهر را تا حدود زیادی به دست بگیرد.

سومین عامل نیز ضعف و استبداد دولت مرکزی بود. پیش از ورود سید شفتی به اصفهان، از اشرار و الوار و لوطی‌گری محشری برپا بوده و به حکومت و سلطنت اهمیتی

قائل نبودند. خون‌های ناحق، ریخته می‌شد. هرج و مرج، شهر و آن نواحی را فراگرفته بود اما سید شفتی با حاکمان محلی، مقابله کرده و ایالت امن شده و حفظ خون و مال و ناموس برقرار ساخت.^۱

شیوه مدیریت فقهی سید شفتی به استکبار و ظلم‌ستیزی، تلاش برای پیاده‌سازی حداکثری دین در جامعه و مبارزه با عقاید و افکار انحرافی تمرکز داشت. سید شفتی در زمینه استکبار و ظلم‌ستیزی با شاهان قاجاری به‌قدری ستیز داشت که حتی یک‌بار محمدشاه قاجار مجبور می‌شود با لشکرکشی به اصفهان، نزد سید شفتی قدرت‌نمایی کند.^۲ سید با همه فروتنی‌اش، در مقابل توانگران مغرور، کرداری ویژه داشت. گاه فرماندار شهر بر او وارد شده، سلام می‌کرد و می‌ایستاد. سید در نهایت بی‌توجهی به کار خویش پرداخته، پس از ساعتی به او می‌نگریست و اجازه نشستن می‌داد.^۳

سید، فقیه و مجتهد بود و در بسیاری از موارد به اجتهاد خود عمل می‌کرد و برای پیاده‌سازی فقه و دین در بستر جامعه، امر به معروف کرده و نهی از منکر می‌نمود و خطاکاران را حد می‌زد و همواره تلاش می‌کرد تا دین را در جامعه پیاده نماید.

سید همانند دیگر اعلام و بزرگان دین، به مقابله با عقاید و افکار انحرافی اهتمام می‌ورزید و چون قدرت و حکومت داشت، توان مقابله او به این افکار انحرافی دوچندان شده بود.

۱. سید محمود سادات بیدگلی، نگاهی به زندگی و نظرات و اقدامات حجه الاسلام سید محمدباقر شفتی، پیشین، ص ۵۰.

۲. احمد رهدار، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پیشین، ص ۳۲۲.

۳. جمعی از پژوهش‌گران، گلشن ابرار؛ خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل از ثقة الاسلام کلینی تا آیه الله خامنه‌ای، پیشین، ج ۱، صص ۳۴۷ - ۳۴۸.

فهرست منابع

۱. ابراهیم‌زاده، حسن و عابدی، محمد، پیکار با منکر در سیره عملی ابرار و علما، چاپ سوم، قم، نشر معروف، ج ۱، ۱۳۷۷ ش.
۲. ابراهیم‌زاده آملی، نبی‌الله، حاکمیت دینی، چاپ اول، تهران، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، ۱۳۷۷ ش.
۳. اصلاح عربانی، ابراهیم، کتاب گیلان، تهران، گروه پژوهش‌گران ایران، ۱۳۷۴ ش.
۴. آیت‌اللهی، سید محمدتقی، ولایت‌فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۵. الگار، حامد، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، مترجم: ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس، ۱۳۶۹ ش.
۶. بامداد، مهدی، شرح‌حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، چاپ سوم، تهران، زوار، ۱۳۶۳ ش.
۷. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان، قصص العلماء، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
۸. جمعی از پژوهش‌گران، گلشن ابرار؛ خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل از ثقه‌الاسلام کلینی تا آیه‌الله خامنه‌ای، قم، معروف، ۱۳۷۹ ش.
۹. جمعی از نویسندگان، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دومین همایش ایران و استعمار انگلیس، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. خالقی نژاد، امیرحسین، نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۴۱ ش.
۱۴. رهدار، احمد، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. سالور عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، تحقیق مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. سایکس، پرسی، تاریخ ایران، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. سردی، محمدرضا، مدیریت اسلامی، چاپ هفتم، تهران، ناشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. شفتی، سید محمدباقر، تحفه‌الابرار الملتقط من آثار الائمة الاطهار، تحقیق سید مهدی رجایی، اصفهان، انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. شفتی، سید محمدباقر، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقاید فرقه شیخیه، قم، عطر عترت، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. عبیری، عباس، سید محمدباقر شفتی؛ آیه امید، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، از علامه مجلسی تا محمدباقر شفتی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ش.

۲۲. معتدی، ربابه، لوطیان و لوطی‌گری در اصفهان، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. مهدوی، سید مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، تصحیح و تحقیق غلام‌رضا نصراللهی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ ش.
۲۴. مهدوی، سید مصلح‌الدین، بیان المفاخر در احوالات سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، اصفهان، کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. مهدوی، سید مصلح‌الدین، اصفهان؛ دارالعلم شرقی، محقق محمدرضا نیل فروشان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. مهدوی، سید مصلح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، تصحیح و تحقیق رحیم قاسمی و محمدرضا نیل فروشان، اصفهان، گلدسته، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. مهدی فر، فروغ، بررسی زندگی سیاسی اجتماعی سید محمد شفتی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۱ ش.
۲۸. ناطق، هما، ایران در راه‌یابی فرهنگی، چاپ دوم، پاریس، انتشارات خاوران، ۱۹۹۰ م.

مقالات، پایان‌نامه‌ها و روزنامه‌ها

۲۹. اقبال آشتیانی، عباس، شرح حال حجة الاسلام سید محمدباقر شفتی، مجله یادگار، سال پنجم، شماره دهم، ۱۳۲۸، ص ۳۰.
۳۰. پارسا، فروغ، سید محمدباقر شفتی و دخالت در حکومت بر اساس نظریه نیابت فقها از امام زمان علیه السلام، دو فصلنامه جستارهای تاریخی، ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۲۱ تا ۳۹.
۳۱. تحریریه، روزنامه حبل‌المتین، سال ۱۶، شماره ۳۵، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق، ص ۸-۱۸.
۳۲. سادات بیدگلی، سید محمود، نگاهی به زندگی و نظرات و اقدامات حجة الاسلام سید محمدباقر شفتی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۰.
۳۳. صلواتی، مهدی، اجرای حدود در عصر غیبت از دیدگاه شفتی، حکومت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۸، ۱۳۸۶، صص ۱۹۴-۱۹۹.
۳۴. مهدوی، سید مصلح‌الدین، نجوم امت؛ فقیه مجاهد حضرت آیه الله حاج سید محمدباقر شفتی، مجله نور علم، شماره ۳۴، ۱۳۶۸، ص ۷۶.
۳۵. نفیسی، سعید، احوال بزرگان، مجله یادگار، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۴ ش، ص ۳۰.